

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲ مهر ۱۴۰۳

موضوع جزئی: آیه ۵۷ - معنای اجمالی آیه - ارتباط آیه با آیات قبل

مصادف با: ۱۹ ربیع الاول ۱۴۴۶

جلسه: ۱

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

آیه ۵۷

آیه ۵۷ سوره بقره چنین است: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كَلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ».

معنای اجمالی آیه

طبق معمول، یک ترجمه و شرح مختصری از این آیه ارائه می‌دهیم و پس از آن به مفردات آیه و آنگاه به تفسیر آیه خواهیم پرداخت. معنای آیه این است که خداوند متعال می‌فرماید: ما ابر را برای شما به عنوان سایه‌بان فرو فرستادیم و پس از آن من و سلوی را بر شما نازل کردیم؛ این دو نعمت الهی است که در این مقام به بنی اسرائیل یادآوری می‌شود، زمانی که در بیابان‌ها و صحرای سینا سرگردان شده بودند؛ نه چیزی بود که آنها را از شر نور خورشید و حرارت آفتاب نجات بدهد و نه چیزی برای خوردن داشتند. گرسنگی و گرما آنها را به شدت در مضیقه قرار داده بود. این هم زمانی بود که به سوی بیت المقدس می‌رفتند، برای جنگ با عمالقه که در بیت المقدس بودند، لکن از جنگ با عمالقه خودداری کردند و خطاب به موسی گفتند: تو و خدای خودت بروید با آنها بجنگید و ما اینجا منتظر می‌مانیم و نشسته‌ایم. آنگاه خداوند تبارک و تعالی در برابر این تمرد و ناسپاسی و نافرمانی، آنها را گرفتار سرگردانی و حیرت در صحرای سینا به مدت چهل سال کرد. این گرفتاری بعد از نجات از بحر نیل برای آنها پیش آمد. آنگاه از موسی تقاضا کردند که از خدا بخواهد که آنها را از این حرارت شدید و گرمای مستقیم نجات بدهد. خداوند می‌فرماید: ما برای شما ابر را به عنوان سایه‌بان قرار دادیم. بعد از آنکه از گرما نجات پیدا کردند، آنگاه گفتند که از گرسنگی در حال تلف شدن هستیم؛ خداوند برای آنها من و سلوی را نازل کرد. ما در بیان مفردات آیه و نیز تفسیر آیه، بیشتر درباره من و سلوی سخن خواهیم گفت. آنچه اینجا به عنوان یک شرح کلی و بیان اجمالی لازم است عرض کنیم، این است که من یک چیزی شبیه ترنجبین بود که خداوند متعال بر آن صحرا نازل می‌کرد، مانند شب‌بن بر روی سنگ‌ها و اشیائی که در بیابان بود می‌نشست و سفت می‌شد، و آنها آن را می‌خوردند؛ یک چیزی شبیه عسل که شیرین بود. سلوی، پرندگان کوچکی است که در بعضی از کتاب‌ها به بلدرچین معنا شده است؛ پرندگانی کوچک‌تر از کبوتر که اینها را به عنوان غذا مورد استفاده قرار می‌دادند.

خداوند یادآوری می‌کند که ما آن ابرها را برای شما به عنوان سایه‌بان فرستادیم و شما از گرما نجات پیدا کردید. این ابرها خصوصیتی داشتند که موجب نسیم خنک می‌شدند بدون اینکه باران ببارد؛ از تابش نور خورشید جلوگیری می‌کرد و ضمناً کأن یک نسیم خنکی می‌وزید که آنها را از گرما نجات بدهد. هم مانع حرارت بود و هم تولید خنکی می‌کرد، بدون اینکه باران ببارد. خداوند متعال آنها را از این حرارت و گرما نجات داد؛ غذا و طعام هم برای آنها فراهم کرد. بعد فرمود: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ»، از آنچه که ما رزق شما قرار دادیم، بخورید؛ این دستور به منظور برحذر داشتن آنان از ذخیره کردن و اسراف بود. منظور اینکه بخورید، نه اینکه ذخیره کنید؛ بخورید اما اسراف نکنید. ولی آنها این کار را نکردند؛ هم اسراف کردند و هم ذخیره کردند؛ قدر ندانستند. «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» اما با این کارشان، به ما ظلم نکردند، بلکه به خودشان ظلم کردند؛ نمی‌توانند به ما ظلم کنند، اما به خودشان ظلم کردند.

این یک شرح کلی و بیان اجمالی از آیه است.

ارتباط آیه با آیات قبل

ارتباط این آیه با آیات قبل، که ما در همه آیات به آن اشاره می‌کنیم، این است که در این آیه خداوند متعال نعمت‌های خود را بر بنی‌اسرائیل یادآوری می‌کند. برخی از تفاسیر مثل فخر رازی، این را به عنوان نعمت هفتم بعد از نعمت‌هایی که در آیات قبل به آنها اشاره شد، برشمرده است؛ می‌گوید این انعام هفتم خداوند است. خداوند تبارک و تعالی قبلاً یکی یکی این نعمت‌ها را برشمرده بود؛ سپس از این به عنوان نعمت هفتم یاد کرده است. برخی از تفاسیر این را به عنوان نعمت هشتم و نهم مطرح کرده‌اند؛ از چندین آیه قبل، یک‌یک خداوند نعمت‌های خودش را بر بنی‌اسرائیل یادآوری کرد. ما این را در سال گذشته تفصیلاً ذکر کردیم که چرا خداوند این نعمت‌ها را یادآوری می‌کند و اساساً این نعمت‌ها کدام است. البته در اینکه ما اینها را نعمت هفتم یا هشتم یا نهم بدانیم، بستگی دارد به چگونگی شمارش؛ مثلاً از برخی تفاسیر برمی‌آید که تظلیل و نازل کردن مائده، اینها هر دو یک نعمت است؛ چون برای گروهی که در بیابان سرگردان بودند و داشتند تلف می‌شدند، خداوند هم آنها را از گرما نجات داد و هم از گرسنگی. لذا این دو را با هم یک نعمت حساب کرده‌اند. اما برخی اینها را دو نعمت دانسته‌اند واقعاً هم دو نعمت است؛ یکی حفظ انسان از گرما و یکی حفظ از گرسنگی. چون هر کدام از اینها می‌تواند برای انسان مهلک باشد و انسان را از بین ببرد؛ انسان گرسنه ممکن است در هوای خوب زندگی کند اما باز هم توانایی ادامه حیات ندارد. کسی که سیر است اما در یک هوای بسیار گرم و طاقت‌فرسا زندگی می‌کند، او هم نمی‌تواند ادامه حیات بدهد. لذا هر یک از اینها یک نعمت مستقل محسوب می‌شود. پس اینها دو نعمت هستند؛ خداوند در عداد نعمت‌های دیگر که به بنی‌اسرائیل ارزانی داشته است، این دو نعمت را هم ذکر می‌کند. حالا اینکه این نعمت هفتم است یا هشتم، بستگی به نحوه شمارش نعمت‌های پیشین دارد. نظیر همین نگاه در آیات گذشته هم بود که ما اشاره کردیم که آنجا بعضی دو نعمت را یک نعمت برشمرده‌اند، در حالی که مثل اینجا

قابلیت ذکر استقلالی به عنوان نعمت برای هر کدام از اینها هست و این قابلیت را دارند.

بنابراین چون خداوند در مقام یادآوری نعمت‌ها به بنی‌اسرائیل بود، اینجا هم در ادامه به این دو نعمت اشاره می‌کند؛ اجمالاً من این دو نعمت را در مقام بیان اجمالی آیه ذکر کردم. بالاخره تظلیل به وسیله غمام و سایه درست کردن به وسیله ابر، آن هم در آن بیابان و صحرای سوزان سینا که چهل سال سرگردان شده بودند، به گونه‌ای که اینها هیچ سایه‌بانی نداشتند، غذا نداشتند، سرپناه نبود، پستی و بلندی نبود که حتی در پناه این پستی و بلندی‌ها خودشان را از تابش مستقیم آفتاب حفظ کنند. اینها گاهی حرکت می‌کردند و از صبح تا شب راه می‌رفتند و دوباره می‌دیدند که در همان نقطه اول هستند؛ یا شب تا صبح راه می‌رفتند، باز خودشان را در همان مکانی می‌یافتند که از آنجا حرکت کرده بودند. اینکه گفته شده سرگردان بودند، به معنای واقعی کلمه سرگردان بودند و این سرگردانی چهل سال طول کشید، تا آنگاه خداوند آنها را از این سرگردانی نجات داد. غذا هم برای ادامه حیات آنها لازم بود و خداوند این را در اختیار آنها قرار داد. همه اینها به خاطر یک نافرمانی بود؛ چون پیش از این خداوند آن همه نعمت به آنها داده بود. قبل از این اشاره شد که وقتی فرعون و اصحابش در تعقیب موسی و یارانش به بحر نیل رسیدند، خداوند آن بحر بزرگ و آن رود عریض را برای موسی و اصحابش گشود و آنها را نجات داد، اما فرعون و یارانش غرق شدند. این همه خداوند آنها را مورد توجه قرار داد، اما وقتی می‌خواستند وارد بیت‌المقدس شوند برای جنگ با عمالقه، گفتند «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۱، تو و خدایت بروید بجنگید، ما اینجا می‌نشینیم و هر وقت پیروز شدید، به ما بگویید تا ما به بیت‌المقدس بیاییم. این نافرمانی باعث شده که خداوند بر آنها غضب کند؛ این غضب و عذاب در واقع منتهی به چهل سال سرگردانی شد. بعد از چهل سال توانستند وارد بیت‌المقدس شوند. با همه اینها، در همین حالتی که در این بیابان سرگردان بودند، خداوند تبارک و تعالی آنها را از گرسنگی و گرما و تابش مستقیم نور خورشید حفظ کرد؛ چون یک مرحله نزد موسی از گرما شکایت کردند و گفتند تو از خدا بخواه که این مسئله را برای ما حل کند. حضرت موسی از خداوند طلب کرد و آنگاه خداوند ابری را به عنوان سایه‌بان برای آنها قرار داد. این ابر هم به گونه‌ای بود که نه باران می‌بارید و نه اجازه می‌داد نور خورشید به طور مستقیم بتابد و در عین حال موجب یک نسیم خنک شده بود. این نعمت که به آنها داده شد، آنگاه آنها طلب طعام کردند و گفتند خدایا ما را از گرسنگی حفظ کن؛ ما چیزی نداریم تا بخوریم. آنگاه خداوند من و سلوی را بر آنها فرو فرستاد. این دو نعمت در عداد نعمت‌های دیگر ذکر شده است. ولی باز هم اینها مثل گذشته به کفران نعمت و ناسپاسی و نافرمانی روی آوردند؛ چون بعد از این خداوند می‌فرماید ما به اینها گفتیم «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» اما اینها همین کار را هم نکردند و به خودشان ظلم کردند. پس تناسب این آیه هم با آیات قبل معلوم شد.

۱. سوره مائده، آیه ۲۴.

بحث جلسه آینده

ما تا اینجا شرح اجمالی و بیان اجمالی از این آیه را ذکر کردیم؛ بعد هم تناسب این آیه با آیات قبل را بیان کردیم. طبق معمول، قبل از آنکه به تفسیر این آیه را پردازیم در بخش‌های مختلف، یک توضیح مختصری درباره مفردات این آیه می‌دهیم؛ این هم روال معمول ما در تفسیر آیاتی است که تا به حال در اینجا بحث کرده‌ایم. ان شاء الله در جلسه آینده بحث مفردات را بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»